

قومیت و احساس طرد اجتماعی؛ مخاطرات اجتماعی پیش رو (مورد مطالعه: قوم عرب شهرستان اهواز)

عبدالرضانواح*، سید عبدالحسین نبوی**، خیری حیدری***

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۷/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۶/۰۲/۲۵)

هویت قومی، یکی از مسائل اساسی در جامعه امروزی است که تحت الشعاع ارزش‌های گوناگون می‌باشد. مفهوم طرد اجتماعی نیز خلاف تصور رایج فقط در معنای رانده شدن توسط دیگران و جامعه نیست؛ طرد اشکال گوناگونی دارد: بعضی دیده نمی‌شوند لیکن احساس می‌گردند، برخی دیگر رؤیت می‌شوند، اما کسی درمورد آن صحبت نمی‌کند و بالاخره بعضی شکل‌های آن کاملاً پنهان بوده و ما حتی وجود آن را حدس نمی‌زنیم. طرد اجتماعی فراتر از ابعاد مادی و اقتصادی بر دامنه متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی - فرهنگی نیز دلالت دارد. تحقیق حاضر در برگزیده ماهیت اجتماعی و فرهنگی طرد اجتماعی بوده و به نقش فعال افراد گروه قومی (عاملیت‌ها) در قضاوت پیرامون هویت قومی‌شان، تأکید دارد. بنابراین هدف اصلی در این مقاله، هشدار نسبت به از بین رفتن اهمیت هویت قومی به عنوان سرمایه فرهنگی اقوام و تأکید بر ضرورت هماهنگی میان آموزه‌های عاملان جامعه پذیری (خانواده، رسانه) درمورد قومیت و جلوگیری از ایجاد خطوط تمایزاتی و تبعیض قائل شدن در مورد اقوام است.

پژوهش حاضر به صورت پیمایشی، در سال ۱۳۹۳ با حجم نمونه ۳۸۴ نفری در بین قوم عرب شهرستان اهواز، انجام پذیرفته است. نتایج تحقیق نشان دهنده ارتباط معنادار

*دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهیدچمران اهواز

**دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهیدچمران اهواز

***کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهیدچمران اهواز. (نویسنده مسئول)

kh. hiedari1369@gmail.com

سن، جنس و تحصیلات با احساس طرد اجتماعی بوده است. متغیرهای جامعه پذیری، همبستگی و هنجارهای قومی با متغیرملاک ارتباط معکوس و معنادار می‌باشد. به‌علاوه متغیر تبعیض قومی با احساس طرد اجتماعی رابطه مستقیم و معنادار دارد.

مفاهیم کلیدی: احساس طرد اجتماعی، هویت قومی، جامعه پذیری قومی، همبستگی قومی، هنجارهای قومی، تبعیض قومی.

مقدمه و طرح مسئله

هویت قومی از ترکیب متنوع مؤلفه‌های قومیت به وجود می‌آید. بنابراین در بین اقوام مختلف مؤلفه‌های قومیت متفاوت بوده و در هر گروه قومی هر یک از مؤلفه‌ها دارای درجات اهمیت متفاوتی هستند. البته نقش این مؤلفه‌ها در هویت دهی به اقوام متفاوت است. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۲) فرد هویت قومی را در اجتماعی شدن مستمر از خانواده و اجتماع قومی خویش اخذ کرده و درونی می‌کند و هویت قومی نیز همچون هویت ملی، بخشی از هویت کلی فرد را تشکیل می‌دهد. هویت قومی باعث ایجاد نوعی حس همبستگی در درون گروه می‌شود و افراد یک گروه قومی نسبت به گروه قومی وهم قومی‌های خویش احساس تعلق و نزدیکی می‌کنند. اما آیا همیشه و در بین همه اقوام و همه اعضای یک قوم چنین است؟

با توجه به این‌که طرد اجتماعی دغدغه اصلی پژوهش حاضر می‌باشد، نکته اساسی این است که اشکال گوناگون طرد وجود دارد؛ بعضی دیده نمی‌شوند لیکن احساس می‌گردند، برخی دیگر رؤیت می‌شوند، اما کسی در مورد آن صحبت نمی‌کند و بالاخره بعضی اشکال کاملاً پنهان بوده و ما حتی وجود آن را حدس نمی‌زنیم و لفظ واژه‌ای مناسب برای تعیین و نشان دادن آن نداریم (زبیرا، ۱۳۸۵: ۱۴). طرد اجتماعی پدیده‌ای چندبعدی است و فراتر از ابعاد مادی و کمبودهای اقتصادی بر دامنه متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی-فرهنگی نیز دلالت دارد. از نظر اجتماعی و فرهنگی احساس طرد بیشتر با عدم رضایت و عدم تعلق فرد به اجتماعات هویت بخش (محل‌های، قومی، مذهبی) ارتباط دارد (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۳۲).

بیگانگی و احساس طرد به عنوان بعدی از آن، مفاهیمی هستند که در برخی افراد با رشد آگاهی، در بعضی براساس شرایط و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف پیش می‌آید؛ کلیه ویژگی‌های شخصی مانند جنسیت، زیبایی، هوش و استعدادها، ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی... دیگر از جمله ملیت، قومیت و نژاد، زبان و... قبل از آن‌که افراد درک انتخابی داشته باشند، به آن‌ها تعلق گرفته‌اند (بوتول، ۱۳۹۲: ۱۲۶). هر تعلق این چنینی جبر و در صورت نارضایتی، بیگانگی و در نهایت احساس طرد را به دنبال دارد.

روند روبه رشد مدرنیزاسیون در تمام دنیا، از جمله ایران امری روشن است. مباحث بیگانگی و ابعاد آن، و طرد و انزوا به عنوان پیامد این روند، یکی از مشکلاتی است که گریبانگیر جامعه مدرن و درحال گذر از جامعه سنتی می‌شود. به لحاظ تحلیلی فرآیندهای اصلی حاکم بر مدرنیزاسیون، تمایز ساختاری فزاینده است تا آن‌جا که تعهدات و روابط گروهی و اجتماعی به طور فزاینده ای سرد و معمولی می‌شود. بنابراین دلبستگی افراد کمتر شده و کمتر خود را در قید مناسبات گروهی و جمعی می‌دانند و بیشتر منفرد می‌شوند (واترز، ۱۳۸۱: ۷۰-۶۹).

ایران کشوری باتنوع فرهنگی و قومی بسیار است. مطالعات انجام شده در سطح ملی درباره اقوام نشان می‌دهد که برخی از اقوام احساس نابرابری قومی قوی‌تری نسبت به دیگران دارند. و این احساس ممکن است به حالتی از بی‌زاری نسبت به قومیت‌های دیگر بینجامد. هویت قومی به طور کلی یک قضیه اجتماعی است که هم با اهمیت بودن آن و احساس برتری آن تأثیرات منفی برای انسجام ملی و در نهایت گرایش به خودمختاری و تحجرهویت و نگرش بسته و محدود به تغییرات دارد و هم کم اهمیت بودن هویت قومی پیامدهایی دارد؛ از جمله احساس طرد در مقایسه با سایر اقوام و در نهایت احساس بیگانگی و نابودی سرمایه فرهنگی است. در مورد قوم عرب این پیامد ناشی از زندگی این قوم در استان چندقومی خوزستان و احساس محرومیت آنان در مقایسه با سایر اقوام است. بنابراین دغدغه اصلی این پژوهش تبیین مسئله احساس طرد اجتماعی هویت قومی (مورد مطالعه: قوم عرب) می‌باشد.

اهمیت و اهداف تحقیق

در گذشته قومیت از مهمترین منابع معنابخش و هویت بخش افراد گروه قومی بود و یکسری همبستگی‌ها و پیوندهای سنتی افراد را گرد مفاهیم مشترک مانند ترک بودن، لربودن، عرب بودن و غیره، جمع می‌آورد که این خود ارتباطات قومی را مستحکم می‌کرد (مثلاً ازدواج‌ها اغلب درون قومی بود). لیکن در سال‌های اخیر شاهد دگرگونی در مفهوم قومیت هستیم طوری که مفاهیم مشترک و سنتی، نمادها و هنجارها، آداب و مناسک قومی در نظر اعضای متعلق به قومیت‌ها کم اهمیت تر جلوه می‌کنند و از طرفی مدرنیته و انقلاب ارتباطات، جریان‌های متضاد را با هویت شکل می‌دهند؛ که وجوه مشخصه آن عبارتند از؛ نهادهای اجتماعی را به لرزه درآورده، فرهنگ‌ها را دگرگون می‌کند، قدرت و منزلت آفریده، به محرومیت‌ها، بیگانگی‌ها و خودکم بینی‌ها دامن می‌زند. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷)

اهمیت این تحقیق در این است که بر مشکلات کلان هویت قومی تمرکز دارد: به طور کلی قومیت ناظر بر برخی ویژگی‌های فرهنگی است از جمله؛ زبان، رسوم، ارزش‌ها و هنجارها. . . در یک سو گاهی گروه‌های قومی با تفاخر به این ویژگی‌ها و برجستگی آن‌ها احساس برتری بر اقوام دیگر داشته که این خود منشأ تعارض قومی و مانع اتحاد و انسجام در سطح جامعه است. در سوی دیگر برخی افراد تعلق

چندانی به قومیت خویش و ویژگی‌های فرهنگی آن نداشتند و حتی به سبب این تعلق احساس طرد شدن دارند. از این نظر که خود را در قید ساختار قومی (قبیله‌ای، طایفه‌ای) محدود و متفاوت از دیگران می‌دانند. البته چنین برداشتی از هویت قومی بارگرانی بر سرمایه‌های فرهنگی یک قوم، کم اهمیت و کم ارزش شدن مؤلفه‌ها و نمادهای آن دارد.

به طور کلی بیشتر مطالعات قومی صورت گرفته حول محور مطلب اول بوده و تحقیقات چندانی در زمینه بررسی این‌که برخی اعضای گروه‌های قومی احساس خوشایندی از انتساب قومیتی شان ندارند، صورت نگرفته است. بنابراین ضرورت دارد که به این مسئله پرداخته شود. نظریه مسائل فوق بررسی هویت قومی به عنوان یک مسئله اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن و پیامدهای متنوعی که دارد، به مثابه یک مسئله و ضرورت مطرح می‌شود. ایران به طور کل و در سطح کلان و خوزستان به طور خاص و در سطح خرد، مناطقی با تنوع فرهنگی و قومی بسیار است. بدین ترتیب در این استان و به خصوص شهر اهواز که زیستگاه اقوام گوناگون است، مسائل قومی بارزتر می‌باشد. برخی مطالعات انجام شده درباره اقوام نشان می‌دهد که برخی از اقوام احساس نابرابری و نارضایتی قومی قوی‌تری نسبت به دیگران دارند (حاجیان، ۱۳۸۰: ۱۴۰). بنابراین حسن برابری در کلیه شئون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... یکی از ویژگی‌های اساسی در حقوق شهروندی است. در بیشتر جوامع شماری از گروه‌ها و اقوام احساس می‌کنند که شهروندان درجه دوم هستند. از طرف دیگر، برخی قومیت‌ها به واسطه انتساب قومیتی شان در بافت اجتماعی خود احساس محروم بودن از بسیاری منابع اجتماعی - فرهنگی دارند. اما مسئله اصلی این تحقیق، که ضرورت بررسی را ایجاد کرده، بدین صورت می‌باشد؛ این احساس ممکن است به حالتی از بی‌زاری نسبت به قومیت بینجامد. از آنجا که احساس طرد برای گروه قومی و نیز جامعه هزینه‌هایی در بر دارد، لذا مطالعه و بررسی آن حائز اهمیت بسیار است. هدف اصلی و کلی این پژوهش عبارتست از بررسی اینکه هویت قومی در گروه مورد مطالعه، عامل احساس طرد اجتماعی است. اهداف جزئی عبارت از شناخت تأثیر عوامل جمعیت شناختی بر احساس طرد اجتماعی و همچنین شناخت تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی بر احساس طرد اجتماعی، می‌باشند.

مروری بر پیشینه تحقیق

مرور بر پیشینه‌های انجام شده، چه داخلی و چه خارجی، جهت غنی ساختن پژوهش و تأسی از آن‌ها از نکات مثبتی است که بایستی مورد توجه قرار گیرد. بدین خاطر در این قسمت، ابتدا نمونه‌هایی از تحقیقات صورت گرفته خارجی و سپس پیشینه داخلی را مطرح می‌کنیم.

"پاتنام" (۲۰۰۰) پژوهشی با عنوان "زوال و احیای اجتماع قومی-نژادی در امریکا"، انجام داده است. محقق بیان می‌کند که اجتماع قومی روبه زوال است. وی با استفاده از آمارها، برنگرانی عمومی

نسبت به بی اعتباری و در نهایت افول هویت نژادی- قومی در امریکا تأکید می‌ورزد. به بیان محقق، این وضعیت وابسته به عواملی نظیر تغییر ساختارهای خانواده سنتی، شهری شدن و تضعیف همبستگی، الگوهای کار، و برنامه‌های تلویزیونی است. همگی این مسائل تاحدی درگسست پیوندهای گروهی- اجتماعی، اعتماد، مشارکت در رسوم این گروه‌ها. . . نقش داشته‌اند. به نظر پاتنام این امر نشان دهنده زوال سرمایه اجتماعی- فرهنگی است.

"یومانا" (۲۰۰۳)، در تحقیقی با عنوان "بررسی هویت قومی مهاجران در شهر الینویز"، به نقش مؤثر متغیرهای احساس محرومیت، تبعیض و جامعه پذیری قومی پرداخت. این پژوهشگر دریافت که با افزایش تبعیض، احساس محرومیت افراد مورد مطالعه نیز بیشتر می‌شود. تأثیر نوع جامعه پذیری بر هویت قومی نیز مثبت بوده است.

"کابر" (۲۰۰۶)، در پژوهشی با عنوان "الگوهای طرد اجتماعی در رابطه با فرهنگ و قومیت" نشان داده است که جنبه‌هایی از طرد وجود دارد که به هویت مربوطاند و تحقیر فرهنگی افراد بر حسب هویتی که بدان‌ها نسبت داده می‌شود را نشان می‌دهد. این امر به عضویت در گروه‌های خاص (نژاد، قومیت) مربوط باشد که وجوه مشترک خود را می‌شناسند، دارای باورها و ارزش‌های مشابهی هستند و به شیوه ای جمعی عمل می‌کنند. "نواح و تقوی نسب" (۱۳۸۶)، در پژوهشی به "بررسی تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و ملی در میان عرب‌های خوزستان" پرداختند. برخی از نتایج این پژوهش حاکی از وجود رابطه ای معکوس میان هویت ملی و هویت قومی عرب‌های خوزستان بود. آنان به این مسأله اشاره نمودند که تشدید هویت قومی عرب‌های خوزستان که در اثر احساس محرومیت بوده است، می‌تواند پیامدهایی منفی در سطح خرد و کلان داشته باشد.

"حسن زاده" (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان "احساس طرد اجتماعی، مورد مطالعه جوانان تهران" به توضیح ابعاد سه گانه احساس طرد اجتماعی (مادی، اجتماعی و فرهنگی) در گروه جوانان پرداخته است. طبق نتایج، این تحقیق در بعد مادی ۴۱٪ گروه مورد مطالعه بالاتر از حد میانگین بودند. در بعد حقوق اجتماعی- فرهنگی (آموزش، ازدواج، مشارکت. . .)، ۴۸٪ بالاتر از میانگین شاخص بوده‌اند. از دیگر یافته‌های محقق این بود که جوانان ۲۹ تا ۲۵ سال و به ویژه دختران بیشتر در معرض خطر احساس طرد هستند. در آخر به خطر طرد ذهنی آنان خاطر نشان کرد. فاصله تصورات و انتظارات جوانان از خواسته‌ها و ارزش‌های شان، از شاخص‌های کلی خطر طرد ذهنی می‌باشد.

مبانی نظری

به طور معمول، جهت دستیابی به اهداف و فرضیه‌های پژوهش، باید به نظریه‌ها متکی بود، چرا که اصولاً راهنمای ما در فرضیه‌ها و استخراج متغیرها، نظریه‌ها می‌باشد. لذا در این قسمت به ذکر نظریه‌های هویت قومی و طرد اجتماعی به اقتضای تحقیق خواهیم پرداخت.

۱- نظریه‌های هویت قومی

۱-۱- امیل دورکیم

دورکیم در نظریه قومیت خود عمدتاً سه موضوع به هم پیوسته را در کانون توجه خود قرار داده که عبارتند از:

زوال یا کم اهمیت شدن قومیت با ظهور مدرنیته؛ ماهیت همبستگی گروهی (قومی)؛ و تلقی گروه قومی به عنوان شکلی از اجتماع اخلاقی.

به بیان دورکیم در دوران گذار از همبستگی مکانیک به همبستگی ارگانیک، نوعی نابسامانی بروز می‌کند زیرا اشکال قدیمی اخلاق اجتماعی روبه زوال گذارده‌اند. پوگی (۲۰۰۰) محتوای این استدلال را این‌گونه بیان کرده: نابسامانی نتیجه ناتوانی افراد در تعیین ضمانت اجراهای قابل قبول در برابر رفتارهای ناهنجار فردی است، افراد تصور می‌کنند هیچ چیز اهمیت ندارد، چنین برداشتی باعث نابودی چارچوب‌های هنجاری پیشین می‌شود که قبلاً می‌توانستند رفتارهای فردی را مقیدسازند و از این رو انسجام جامعه دستخوش بی‌معنایی شده است (فنتون: ۱۵۳، ۱۹۸۰). به عقیده دورکیم، به موازات رشد شهرها و مهاجرپذیری آن‌ها از روستاها و شهرهای کوچک، افت طبیعی همبستگی‌های تنگ دامنه-از جمله همبستگی‌های قومی-آغاز می‌شود. بنابراین جای تعجب نیست که او اصل و منشأ نژادی قومی را به عنوان واقعیاتی در حال افول از نظم نوین اجتماعی تلقی می‌نمود (فنتون، ۹۸:۱۳۸۴، به نقل از نواج، ۸۹:۱۳۸۸).

۱-۲- تالکوت پارسونز

دو درونمایه اصلی در نظریه سیستمی پارسونز بررسی می‌شوند: تأکید بر همبستگی گروه قومی و عملکرد گروه قومی به عنوان قطب نمای اخلاقی رفتار فردی. پارسونز، گروه قومی را «گروهی دارای تعریف مبهم» معرفی می‌کند که احساس هویت منحصر به فرد آن مبتنی بر درک ویژه‌ای از تاریخ خود است. وی استدلال می‌کند که ویژگی جامعه شناختی اصلی قومی، دیرپایی و تداوم فرانسلی آن است. قومیت شکل معینی از همبستگی گروهی است که متشکل از دو عنصر سازنده «سنت فرهنگی فرانسلی» و «وابستگی داوطلبانه به گروه» می‌باشد. گرچه تعهد داوطلبانه نیروی مهمی است ولی تأثیر سنت فرهنگی که شامل مؤلفه‌هایی مانند حفظ زبان یا تاریخ فرهنگی و یا انتظارات هنجاری برای تداوم سنتی خاص می‌شود، برای حفظ همبستگی گروه قومی اهمیت اساسی دارد.

در نظریه عمومی سامانه پارسونز، قومیت به سیستم اعتباری همراه با سیستم آموزشی یا خانواده تعلق دارد که مسئول انتقال ارزش‌های غالب یا مسئول جامعه پذیر کردن هنجارهای گروهی است.

همبستگی گروه قومی بی تردید مستلزم آن است که گروه قومی همچون پاسدار اخلاقی و معنوی رفتار فردی و گروهی عمل کند. (مالشویچ، ۱۳۹۰: ۸۱)

۳-۱- نظریه‌های جامعه‌پذیری قومی

جامعه‌پذیری قومی، وجهی از جامعه‌پذیری است که شامل پیام‌ها و عملکردهای خاصی درباره اهمیت یا جایگاه قومی است. جامعه‌پذیری قومی در برگیرنده اظهارات مستقیم درباره قومیت، الگوبندی رفتار و فعالیت‌های غیرمستقیم مانند رویارویی با محیطی است که ارزش‌ها و پیام‌های خاصی درباره قوم منتقل می‌کنند. این نظریه، نظریه‌ای است درباب این‌که افراد چگونه می‌آموزند که به عضویت گروه درآیند. (جلائی پور، ۱۳۹۲: ۴۹۱)

به زعم اینگلهارت (۱۳۷۳)، دو فرضیه در جامعه‌پذیری مطرح است؛ در فرضیه اول جامعه‌پذیری، تأکید بر این است که جهت‌گیری‌های ارزشی فرد وابسته به نوع جامعه‌پذیری وی در دوران کودکی و پس از آن می‌باشد.

فرضیه دوم جامعه‌پذیری، تأثیر شرایط جامعه‌پذیری بر نگرش‌ها و باورهای فرهنگی است. به عبارتی، نظام جامعه‌پذیری، می‌تواند هم در انتقال آموزه‌های فرهنگی وهم در کیفیت (ایستایی یا پویایی) آن‌ها مؤثر واقع گردد. در خانواده جنبه‌های بسیار مهم هویت قومی و نگرش‌های مربوط به گروه‌های دیگر قومی از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود. مارتین مارگر (۱۹۹۴) اشاره می‌کند مردم، نفرت و انزجار از یک گروه یا برعکس ارزش قایل شدن نسبت به آن رابه همان صورت که یاد می‌گیرند به بزرگ‌ترها و حریم دیگران احترام گذارند، می‌آموزند (کندال، ۱۳۹۲: ۱۷۸-۱۷۵).

در ادامه به شرح رهیافت‌های کارکردگرایی و کنش متقابل نمادین، از نظریه‌های جامعه‌پذیری، به طور مختصر خواهیم پرداخت.

۱- رهیافت کارکردگرایی و جامعه‌پذیری؛ این دیدگاه تأکید دارد که اکثر ما در بافت خانوادگی خویش باورها و ارزش‌ها را کسب کرده و فرهنگ حاکم بر جامعه بزرگ‌تر و پاره فرهنگ‌هایی که والدین و خویشاوندان به آن تعلق دارند را یاد می‌گیریم. در سطح گسترده‌تر خانواده، مکانی است که افراد را براساس نژاد، قومیت و طبقه خود اجتماعی کرده و جایگاه اجتماعی- فرهنگی ما را در جامعه تعیین می‌کند. (کندال، ۱۳۹۲: ۱۶۳)

۲- رهیافت تعامل‌گرایی نمادین، جامعه‌پذیری را فرآیندی جمعی می‌داند که در آن افراد عوامل خلاق و فعال فرآیند هستند، نه دریافت‌کننده منفعل آن. آن‌ها در تعاملات خویش فرهنگ (قومی، مذهبی) را از بزرگسالان خود فرا می‌گیرند، اما آن را تغییر شکل می‌دهند و با شرایط خویش و زمانه و جامعه‌شان منطبق می‌سازند (کندال، ۱۳۹۲: ۱۶۱). مطابق دیدگاه تعامل‌گرایی، همه افراد در طول

زندگی خود از فرآیند جامعه پذیری متأثر می‌شوند. اما این تأثیر پذیری در مقاطعی که آگاهی و حساسیت افزایش می‌یابد، بیشتر می‌شود. به گمان ترنر هویت و قومیت از اساسی ترین آموخته‌های هر فرد در طول زندگی است. طبق این دیدگاه هویت فرد در روند اجتماعی شدن شکل می‌گیرد (ترنر، ۱۹۹۸: ۱۵). کولی بر نقش عوامل جامعه پذیری (خانواده، رسانه‌ها و مدرسه) در انتقال ارزش‌ها و عقاید گروه قومی، تقویت یا عدم تقویت هویت قومی تأکید دارد (قنبری، ۱۳۸۳: ۳۶۳).

۱-۴- تئوری نمادگرایی

نمادگرایان قومی اهتمام خود را معطوف به دوام، تحول اقوام و نقش گذشته قومی در شکل دادن به اجتماعات فرهنگی کنونی کرده‌اند. نمادگرایی بر کسب و حفظ نمادهای با اهمیت قوم تأکید دارد. طبق این دیدگاه نمادهای قومی (زبان، ادبیات و موسیقی، رسوم و هنجارهای قومی) عناصر مهمی‌اند که به گروه‌های مختلف مشروعیت بخشیده و از طریق ایجاد قدرت واقعی در گروه قومی موجب صیانت این نمادها گردند. به نظر آنتونی اسمیت، کانون تحلیل‌های قومیت نقش ارزشها، عاطفه و احساس، سنت‌ها و نمادهاست. به گفته وی استمرار نمادهای قومی به خودی خود صورت نمی‌گیرد و برخی نهادهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی در تداوم بخشی به هویت قومی مؤثرند (گودرزی، ۱۳۸۵: ۲۱۴).

۱-۵- نظریه محرومیت نسبی

تد رابرت گر در مقاله عوامل روانشناختی محرومیت، معتقد است که وجود اختلاف و فاصله مابین انتظارات ارزشی، منزلتی و امکانات و قابلیت‌های موجود در محیط اجتماعی در پاسخ‌گویی به انتظارات، تصور محرومیت نسبی را به لحاظ سیاسی، روانشناختی، فرهنگی و نیز اقتصادی در گروه‌های اجتماعی، شکل می‌بخشد (گر، ۱۹۶۷: ۲۵۲).

به عقیده گر، هویت قومی زمانی تحت الشعاع قرار می‌گیرد که با افراد یک گروه قومی به واسطه تعلقاتشان به آن گروه، رفتاری تبعیض آمیز در مقایسه با گروه‌های دیگر صورت گیرد. یعنی یک گروه قومی به دلیل قومیت خود در معرض محرومیت از برخی حقوق و مزایا قرار بگیرد. طبق این نظر هویت قومی بیشتر مفهومی مرتبط با تعلقات است تا پاره‌ای مشترکات صرف زبانی، مذهبی و ... (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

کروسبی برخی پیش شرط‌های روانشناختی در ظهور محرومیت را آگاهی یافتن و مقایسه خود با دیگران و انتظارات از گروه خود می‌داند. ناسازگاری میان انتظارات ارزشی و نتایج عینی و آگاهی به این امر، تبعیض و محرومیت نسبی را به دنبال دارد. آگاهی به این معنا که واکنش‌های مردم به شرایط و

تصورات ذهنی^۱ آنان بستگی دارد. در این نظریه فرض می‌شود که بافت اجتماعی و فرهنگی نقش محوری در بروز احساس محرومیت دارد. در مجموع این احساس ذهنی و وابسته به زمینه^۲ (بافت) است. از نمودهای احساس محرومیت «احساس تبعیض» است (نواح، ۱۳۸۶: ۱۴۹). علت شکل‌گیری احساس محرومیت در بین اقوام، خودآگاهی قومی است. خودآگاهی پیامد فرآیندهایی همچون مدرنیزاسیون و جهانی شدن است. نکته مهم این است که شکل‌گیری احساس محرومیت صرفاً ناشی از تبعیض نیست (یومانا، ۲۰۰۸: ۲۱-۲۰) و به عوامل دیگری چون سطح سواد و آگاهی، طبقه اجتماعی، تعاملات درون و برون گروهی، تبلیغات و... مرتبط است (لهم، ۲۰۰۶: ۳۵). یکی از کاربردهای مهم نظریه محرومیت نسبی که ریشه در همین مقایسه‌های اجتماعی دارد، این است که نشان می‌دهد چگونه مقایسه‌ها می‌توانند پیامدهایی چون خشم، نارضایتی، ناهنجاری، گرایش به کناره‌جویی و تنفر... به بار آورد. هومنز (ریتزر، ۱۳۸۸: ۴۵۵) نیز به این مسئله اشاره کرده است، که اگر تناسب بین انتظارات و قابلیت‌ها رعایت نشود، فرد احساس تبعیض کرده، به هنجارهای اجتماعی-گروهی توجهی نمی‌کند، ارزش‌ها و الگوهای جمعی را نپذیرفته، احتمالاً شخصیت خاص و منفرد پیدا می‌کند.

۲- دیدگاه‌های طرد اجتماعی

۲-۱- امیل دورکیم

مسئله اصلی که در تمام آثار دورکیم دیده می‌شود، بدین ترتیب خلاصه می‌شود: چه چیز باعث می‌شود که یک گروه (فرهنگی، دینی، قومی) اجتماعی همگون راتشکیل دهند و متقابلاً چه چیز (یا فقدان چه چیزی) این پیوند را می‌گسلد؟ پیامدهای آن چیست؟ (زیبرا، ۱۳۸۵: ۳۵)

دورکیم، دونمونه اصلی همبستگی اجتماعی؛ مکانیکی، که خاص جوامع سنتی و براساس روابط خویشاوندی است و ارگانیکی، که خاص جوامع مدرنی است که در آن تشخیص فردی فزونی یافته و افراد ارزشها و احساسات متفاوتی دارند، را معرفی کرده است (کرایب، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

مفهوم تراکم اخلاقی، تعیین‌کننده همبستگی است که حول ارزش‌ها، ممنوعیت‌ها و اجباری‌های مقدس وجود دارد و باعث ارتباط افراد با کلیت و آگاهی جمعی می‌شود. در جوامع سنتی این آگاهی تابع ارزش‌ها و احساسات مشترک بود. لیکن جوامع مدرن تابع فرآیندهای مختلفی که تدریجاً انسجام مکانیک را تخریب نموده است، و وجدان و وفاق جمعی درقبال پیشروی فردی از جایگاه کوچکتری برخوردار است.

¹ . Subjective

² . Context

به عقیده دورکیم همین تنزل تراکم اخلاقی است که تجلی آسیب‌های اجتماعی از جمله افزایش نابهنجاری اخلاقی، ارزشی و انزوا. . . را در جوامع مدرن به همراه دارد. (زیبرا، ۱۳۸۵: ۳۹)

به نظر دورکیم بحران جامعه جدید همانا از هم پاشیدگی وضع پیوندهایی است که فرد را به گروه و قومیت خویش مربوط می‌کرده است. جوامع جدید به سبب گذار از همبستگی مکانیکی به ارگانیکی علائم بیمارگون نشان می‌دهند که اهم آن نارسایی ادغام و جذب شدن فرد در اجتماع و قومیت خویش است، در نتیجه احساس انزوا، طرد را دنبال دارد. (آرون، ۱۳۸۱: ۳۸۵) از آن‌جا که گروه منبع نظم اخلاقی است، افرادی که به اندازه کافی در گروه‌های هویت بخش ادغام نمی‌شوند (اختیاری) در وضعیت بی‌هنجاری هویتی و طرد قرار می‌گیرند. (گیدنز، ۱۳۶۳: ۴۱)

۲-۲- هیلاری سیلور

در تحلیل طرد اجتماعی و رویکردهای مختلف در زمینه علل و شرایط آن، مشهورترین طبقه بندی، متعلق به سیلور، جامعه شناس آمریکایی است. وی سه پارادایم حاوی الگوهای علی طرد را چنین برمی‌شمارد: ۱- رویکرد انسجام^۱ یا همبستگی؛ مطابق با این رویکرد که ریشه در جمهوری خواهی فرانسه دارد و با نظریه کارکردگرایی دورکیم در ارتباط است (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). طرد، محصول گسست و ضعف پیوندهای اجتماعی مکانیکی و ارگانیکی است که نظامی از ارزش‌ها و حقوق را برقرار می‌کرد و به افراد نظم اخلاقی و هنجاری می‌بخشید. بنابر این پارادایم، اگر بعضی افراد از گروه خودگسسته شوند (کسانی که مورد توجه خودی‌هانیستند و خود نیز نسبت به خودی‌ها بی‌اعتنایند)، تمایلی به رعایت شیوه‌های هنجاری گروه نداشته و فراسوی مرزهای آن قرار گیرند و خود راملزم به مشارکت در آن‌ها ندانند؛ احساس طرد روی می‌دهد که موجب ضعف همبستگی می‌شود. در این رویکرد طرد، نقطه مقابل ادغام اجتماعی قرار می‌گیرد (سیلور، ۲۰۰۶).

۲- پارادایم تخصصی شدن؛^۲ این سنت ریشه در سنت لیبرالیسم آمریکایی-انگلیسی و رویکرد جامعه شناختی تکثرگرایی دارد. (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۳۹) که بر اساس آن جامعه به عنوان مجموعه‌ای از افراد مستقل و آزاد و فارغ از قیدوبند گروه‌های (خویشاوندی، شغلی، حزبی. . .) تلقی می‌شود. روابط گروهی به مثابه شبکه‌هایی از مبادلات داوطلبانه بین گروه‌های خودمختار دیده می‌شود که مبتنی برعلاق و نگرشهای آنان است. طرد اجتماعی زمانی پدید می‌آید که افراد تمایزناکافی و نابسندده قلمروهای اجتماعی را ادراک کنند. به عبارتی در این‌جا احساس طرد ناشی از «عملکرد تبعیض» است (سیلور، ۲۰۰۶).

^۱ . Solidarity

^۲ . Specialization

۳- پارادایم انحصار^۱؛ این پارادایم با فلسفه سوسیال دموکراسی و دیدگاه جامعه شناختی تضاد، ملهم از نظرات مارکس و وبر مرتبط است (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۴۰). این رویکرد به پیش زمینه طبقات و گروه‌های منزلتی توجه دارد که از هویت‌های فرهنگی و اجتماعی متمایز برخوردارند. اگر برخی افراد احساس کنند که دیگران به سبب خاستگاه قومی، مذهبی کنترل انحصاری به امتیازات نمادین و پرستیژی را در اختیار دارند و دیگران محروم‌اند، احساس طرد پیش می‌آید. البته این رویکرد بیشتر در کشورهایی که اختلاف فاحش نژادی و فرهنگی دارند، به کار می‌آید (سیلور، ۱۹۹۴).

۲-۳- پی‌یربودیو

بوردیو برای شرح آراء خود در مورد طرد اجتماعی از سه مفهوم محوری یعنی سرمایه، میدان و عادت واره بهره برده است. بوردیو با دو نیروی به هم مرتبط یعنی ساختار (میدان) و عاملیت (عادت واره) توضیح می‌دهد که چگونه کنشگران مسیرهایی را در جهت جذب/طرد می‌پویند؟ از یک سو موقعیت میدانی گزینه‌ها و هنجارهایی را تعیین می‌کند و از طرف دیگر عادت واره فرد یعنی نظامی از تمایلات، نگرش‌ها، باورها و رفتارها. ارزیابی آن‌ها نحوه مواجهه فرد به این گزینه‌ها را مشخص میکند (بون ویتز، ۱۳۹۰: ۷۶-۷۷). بنابر یک اصل کلی، عاملان اجتماعی در مسیر زندگی خود به سمت میدان‌ها و موقعیت‌ها و گروه‌هایی جذب می‌شوند و می‌مانند که بیشترین هم‌نوایی و انطباق را با عادت واره آن‌ها دارد و برعکس از میدان‌هایی اجتناب می‌ورزند که با عادت واره آن‌ها ناسازگار است و احساس بیگانگی و طرد می‌کنند. این میدان می‌تواند جامعه، اجتماع محلی، هویت قومی، هویت ملی. . . باشد (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۱۷-۱۱۶).

۲-۴- نظریه هویت اجتماعی

نظریه هویت اجتماعی، با تأکید و تأمل بر اصول "غیرسازی"^۲ که آن را از شیوه‌های رایج طرد افراد و گروه‌ها می‌داند، در مورد طرد اجتماعی بحث می‌کند. غیرسازی، سازوکاری اجتماعی، زبانی و روان‌شناختی است که بین افراد فاصله گذاشته و "ما" را از "آن‌ها" متمایز می‌کند (جانسون، ۲۰۰۴). به نقل از گادفری و تاکت، (۱۶۶: ۲۰۰۹). این فرآیند با تعریف دگرپودگی افراد باعث بی قدرت ساختن و طرد آن‌ها می‌شود. برخی استدلال کرده‌اند که غیرسازی به عنوان یک هدف روان‌شناختی، به صورت میل به طرد کردن، یک نیاز رابراورده می‌کند؛ نیاز به این‌که خود را از دیگران (گروه قومی خود و یا

¹. Monopoly

². Othering

گروه‌های قومی دیگر) از نزدیکی روانی، اجتماعی دورنگاه داریم (وایس، ۱۹۹۵، به نقل از گادفری و تاکت، ۲۰۰۹:۱۶۶).

درغیرسازی، تفاوت‌های درونی گروه با بیرون ازگروه، بزرگ‌تر می‌شوند، این تفاوت‌ها از طریق کردار و گفتارهای قالبی گاهی منفی تجلی می‌کند. به این شیوه غیرسازی منتهی به هویت گروهی و براساس نوع نگرش فرد به تنفر و انزجار ازگروه خودی و یا تعصب نسبت به گروه خویش منجر می‌شود (هدی، ۲۰۰۷:۱۳۰). فرآیندغیرسازی ارتباط نزدیکی با کلیشه سازی دارد. کلیشه سازی یک شکل برچسب زدن است و معنای خود را از یک رفتار وگفتار کلیشه‌ای و قالبی به‌دست می‌آورد که متضمن فاصله اجتماعی است و بر نگرش‌ها به هویت تأثیر می‌گذارد. گفتارها و کردارهای کلیشه‌ای از طریق شناخت فرهنگی فهمیده می‌شود (بوردیو، ۱۹۹۴، به نقل از گادفری و تاکت، ۲۰۰۹:۱۶۷).

۲-۵- نظریه شبکه اجتماعی

دیدگاه شبکه، سنتی از روان‌شناسی اجتماعی و شناختی است که دردهه ۱۹۳۰ ریشه گرفت و بعدها در نظریه جامعه شناختی توسعه یافت. یکی از دیدگاه‌ها درون سنت پژوهش شبکه «همبستگی جمعی- گروهی» است. دیدگاه همبستگی گروهی بر محدوده شبکه شخصی و نوع روابط و تلاش برای تعیین میزان درجه‌ای که یک شخص نسبت به گروه همبستگی دارد، متمرکز می‌شود. مشخصه‌های روابط در شبکه به عنوان شاخص‌های میزان همبستگی به کار می‌آیند. عوامل مهم، سهم بودن در بین خانواده و خویشان و اقوام، دوستان، نزدیکی افراد به گروه، شرکت در فعالیت‌های گروه و... می‌باشد (فلاحی، ۱۳۹۱:۵۲). دراین دیدگاه، طرد اجتماعی با مشخصه‌های ویژه نوع و ساختار شبکه گروهی مرتبط است. فرض کلی این است که میزان نزدیکی یا تجانس می‌تواند چیزی درباره جای گیری فرد در گروه بگوید، بنابراین از خطر احساس طرد نسبت به آن گذرکند. بدین صورت که وقتی اعضای گروه (قومی و نژادی) به شناخت از همدیگر و به طورکل آگاهی و شناخت گروه قومی، ساختار و هنجارهای آن دست یابند و آن‌ها را باور داشته و بپذیرند، احتمال احساس طرد، انزوا و مسائلی ازاین قبیل کاهش می‌یابد (هورتولانس، ۲۰۰۷:۳۰).

۲-۶- رویکرد فرهنگی

این گروه نظریه پردازان معتقدند که عدم انطباق نگرش‌های افراد بامیدان فرهنگی به برکناری خودخواسته آن‌ها از این میدان می‌انجامد. طرد در رویکرد غیرفضایی یا فرهنگی، حاصل مرزبندی‌های اجتماعی و شکل گیری پیوندهای همگون در اجتماعات گروهی بسته (نژادی، قومی) که مانع تشخیص و آزادی اعضاست، می‌باشد.

طبق رویکرد فرهنگ گرایان، "طرداجتماعی" بازتابی از تضعیف تعلق و پایداری به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی ناشی از رفتارها و نگرش‌های عاملان یا گروه "تلقی می‌شود. در هر صورت نتیجه برای فرد یا گروهی که طرد را ادراک می‌کنند، مسائلی از این دست می‌باشد؛ احساس عدم تعلق، ناهنجاری فرهنگی و... که ادغام آنان مستلزم تقویت فرهنگ است. طبق این رویکرد، طرداجتماعی یا رابطه‌ای دارای دوجنبه است:

الف) انسجام یا یک‌پارچگی اجتماعی، که معطوف به روابط و شبکه‌های گروهی است و طرد را در قالب انزوای اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد.

ب) انسجام یا یک‌پارچگی فرهنگی، که متمرکز بر ارزش‌ها و هنجارهاست و احساس طرد را در ارتباط با ماهیت هنجارهای اساسی گروه تبیین می‌کند (تاکت و دیگران، ۲۰۰۹: ۲۷۱-۲۶۳).

چارچوب نظری

در جمع بندی نتایج حاصل از مرور دیدگاه‌ها و منابع تجربی موجود در ارتباط با هویت قومی، می‌توان گفت: هویت قومی امری فردی-اجتماعی است و در ارتباط متقابل این دو سطح قرار دارد. شکل گیری یا تغییر آن بسته به عوامل و شرایط مختلف در سطح خرد و کلان و ارتباط متقابل این دو سطح قرار دارد. احساس طرد، یک نوع واقعیت فکری است که شکل گیری آن وابسته به عواملی است، از جمله ناشی از گسترش فردگرایی و آزادی و استقلال از قید گروه و نیز دگرگونی و تنوع ارزش‌های جدید است. بنابراین احساس طرد، حالتی است که فرد نسبت به زمینه‌های اجتماعی خود بی تفاوت است و از ارزش‌های گروهی جدا بوده و خود را با آنچه که از نظر گروه با اهمیت است، همسو نمی‌داند. باتوجه به این که ایران جامعه‌ای در حال گذار است و بنابراین هر جامعه در حال گذار و گروه‌های قومی موجود در آن در این روند، دچار بحران‌هایی می‌شوند؛ از جمله: آسیب‌ها و مسائلی که ممکن است منجر به تضعیف تعلق و همبستگی گروه قومی، شود؛ پس براساس تغییرات جامعه امروزی، توجه به بحران‌های ایجاد شده در سطح فردی و اجتماعی ضروری است. زیرا، طبق نظرگیدنز «این عاملیت و ساختار است که موجب عملکرد اجتماعی شده و این دو، جدا از هم نیستند و کنش افراد، ساختار را وساختار، کنش را شکل می‌دهد» (ریتزر، ۱۳۸۸: ۷۰۱). به لحاظ نظری آنچه در پژوهش حاضر مدنظر است، ترکیبی از نظریه‌های گفته شده است، زیرا هیچ یک از نظریه‌های مطرح شده به تنهایی نمی‌تواند مسأله مورد بررسی را به طور کامل تبیین کند. لذا مجموعه‌ای از نظریه‌های مذکور این وظیفه

را برعهده خواهند داشت. در جدول شماره ۱، استخراج متغیرها از نظریه‌ها و مفاهیم اصلی نشان داده شده است (منبع: نگارندگان)

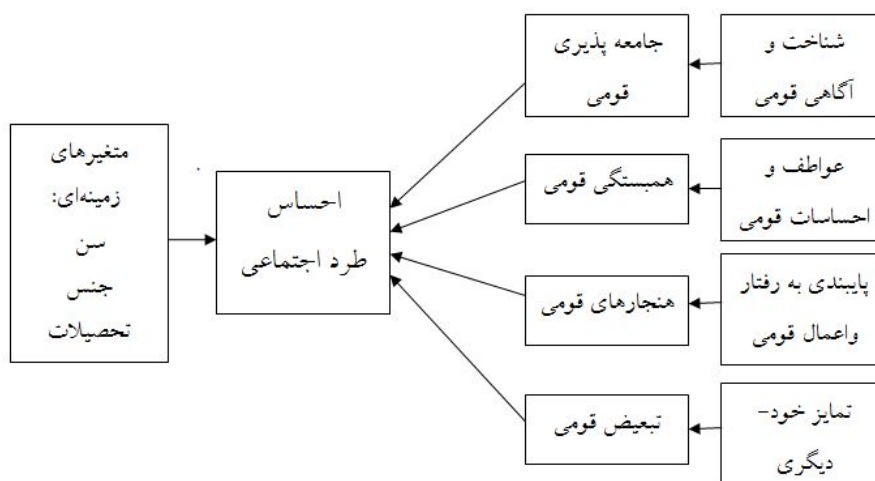
جدول شماره ۱: خلاصه چارچوب نظری و نحوه استخراج متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته	احساس طرد اجتماعی
متغیرهای مستقل	نظریه‌ها و نظریه پردازان
مفاهیم اصلی	
جامعه پذیری قومی	نظریه‌های کارکردگرایی / مکتب کنش متقابل نمادین بی‌سازمانی و ناهماهنگی میان آموزه‌های جامعه پذیری عاملان خانواده / رسانه‌ها / زمینه رفتاری و نگرشی افراد را دچار اغوجاجات مسئله ساز (اشکال طرد) می‌نماید.
همبستگی قومی	دیدگاه شبکه اجتماعی / نظریه‌های دور کیم، پارسونز، سیلور باطمی مراحل تکامل؛ افت طبیعی همبستگی‌های تنگ دامنه (قومی)، ضعف پیوند (بروز بحران در جامعه) و همبستگی قومی به دلیل ضعف بخش عاطفی وجدان جمعی بروز علائم بیمارگون در بعضی افراد قومی (احساس طرد، انزوا) در فرآیند گذار
هنجارهای قومی	تئوری نمادگرایی / رویکرد فرهنگی، آراء بوردبو هنجارهای تعیین شده توسط گفتار فرهنگی / ناهماهنگی و تضاد ارزش‌ها و نگرش‌های عاملان احساس طرد اجتماعی
تبعیض قومی	نظریه محرومیت نسبی / نظریه هیلاری سیلور بافت اجتماعی - فرهنگی گروه تمایز ناکافی و نابسندة قلمروهای اجتماعی غیرسازی، تبعیض ← احساس طرد اجتماعی ادراک رفتار تبعیض آمیز به واسطه تعلق به یک گروه

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد بین سن و احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین جنس و احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین تحصیلات و احساس طرد اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

- ۴- به نظر می‌رسد بین جامعه پذیری قومی و احساس طرد اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین همبستگی قومی و احساس طرد اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین هنجارهای قومی و احساس طرد اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.
- ۷- به نظر می‌رسد بین تبعیض قومی و احساس طرد اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.



شکل (۲): مدل پژوهش شاخص‌ها و متغیرهای هویت قومی و رابطه آن‌ها با متغیر ملاک (احساس طرد اجتماعی)

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش بر اساس رویکرد کمی و با استفاده از روش پیمایشی، انجام شده است. در جمع‌آوری اطلاعات مقدماتی و نظریه‌ها از روش اسنادی استفاده شده است. واحد تحلیل؛ فرد و بنابراین سطح آن، خرد می‌باشد. جمعیت آماری در این تحقیق افراد ۱۵-۵۰ سال شهرستان اهواز (نمونه مورد مطالعه، قوم عرب) است که از هشت ناحیه عرب نشین این شهر، چهار محله انتخاب گردید. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. در این روش ابتدا نواحی در هشت منطقه عرب نشین شهر اهواز در نظر گرفته شده، سپس برای این‌که بتوان نمونه‌ای معرفتر به دست آورد، طبق تحقیقات قبلی (نواح،

۱۳۸۸) نواحی مختلف در چهار خوشه، تقسیم بندی شده که از هر خوشه، دونا حیه به طور تصادفی انتخاب شده است. سپس در هر ناحیه دو بلوک و سپس از هر بلوک، تعدادی خانواده و سپس از هر خانواده یک نفر متناسب حداقل و حداکثر سن در نظر گرفته شده در این تحقیق به طور تصادفی برای جمع آوری داده‌ها انتخاب شده است.

پرسشنامه متشکل از دوی بخش اصلی است: بخش اول پرسش‌هایی است که اطلاعات مربوط به ویژگی‌های جمعیت شناختی فرد را می‌سنجد؛ و بخش دوم پرسش‌ها در قالب طیف لیکرت بوده که از پنج گزینه برای شدت آن گویه متناسب با جهت گویه (مثبت یا منفی بودن گویه) در طیف استفاده شده است (از شماره ۱ تا ۵). در ساخت پرسشنامه مربوط به متغیرهای هویت قومی، عمدتاً از شاخص‌های استفاده شده در تحقیقات پیشین بهره گرفته شده است؛ به این صورت که به گزینش معتبرترین شاخص‌های گردآوری شده از بین شاخص‌های موجود در پرسشنامه‌های آزمون شده قبلی، اقدام کرده و برای حصول روایی قابل قبول از این شاخص‌ها مجدداً اعتبار آن‌ها بررسی شد. برای اطمینان از پایایی ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. اما جهت سنجش و عملیاتی کردن متغیر وابسته (احساس طرد اجتماعی)، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. بدین منظور پرسشنامه طراحی شده به همراه چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش در اختیار اساتید قرار داده شد و نقطه نظرات آن‌ها در تدوین نهایی پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت.

ضرایب آلفای کرونباخ برای هریک از متغیرهای مستقلی که در سطح سنجش فاصله‌ای قرار داشتند و متغیر وابسته در جدول شماره ۲ آمده‌اند. آلفای حاصله نشان از پایایی درونی گویه‌ها می‌باشد.

جدول شماره ۲: ضرایب پایایی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	جامعه پذیری قومی	همبستگی قومی	هنجارهای قومی	تبعیض قومی	احساس طرد اجتماعی
میزان آلفای کرونباخ	۰/۸۹	۰/۸۷	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۷۸

تعاریف مفهومی - عملیاتی متغیرهای تحقیق

۱- جامعه پذیری قومی

جامعه پذیری قومی، به معنای همسازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است که در طول زندگی و تجربه آموخته است. (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۴۱) تصویری که شخص از خودش، جایگاه، هویت قومی‌اش کسب می‌کند، بستگی به الگوی جامعه پذیری آن‌ها دارد. این‌که خانواده نسل آینده را در مقابل قومیت، چگونه جامعه پذیر نموده است. رسانه‌های همگانی و ارتباطی

نیز نقش بسیار مهمی در جامعه پذیری دارند. انسان‌های امروزه وقت زیادی را به رسانه‌ها؛ تماشای تلویزیون، ماهواره، مطالعه روزنامه و اینترنت اختصاص می‌دهند. این رسانه‌ها با القای طرز تلقی و نگرش در مورد قومیت، ملیت، دین و... بر احساس افراد نسبت به این امور تأثیر می‌گذارند، به عبارتی هم می‌توانند احساس و هنجارهای گروه را مخدوش سازند و هم می‌توانند آن‌ها را تقویت کنند (کوئن، ۱۳۸۶: ۸۴-۸۵).

برای سنجش این متغیر از پرسش نامه استاندارد که توسط یومانا ابداع شده است، استفاده گردید. در این تحقیق از بین عوامل جامعه پذیری بر نقش خانواده و رسانه‌ها در نگرش به هویت قومی و احساس شکل گرفته نسبت به آن تأکید شده است. این متغیر، شامل ۱۰ گویه است که نمونه‌هایی از آن عبارتند از: خانواده‌ام سعی زیادی در آموزش ارزش‌ها و عقاید قومی‌مان به من دارند، والدینم احساس تعلق قوی نسبت گروه قومی‌مان دارند، رسانه‌های داخلی (ملی و استانی) تصویر مثبتی از قومیت‌م ارائه می‌دهند و... .

۲- همبستگی قومی

همبستگی دارای ابعادی از جمله احساس نزدیکی، در مقابل احساس انزوا است. منظور از این بعد در جنبه عینی شبکه اجتماعی فرد و میزان روابط فرد و سرمایه اجتماعی وی است. و در جنبه ذهنی احساس همدلی و حمایت است. (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۲۰) همبستگی، پیوستگی افراد در قبال فرهنگ و رسم و زندگی مشترک، هنجارها و ارزش‌ها و قواعد گروهی است. به عبارت دیگر، وضعیتی که افراد به لحاظ سازمان ذهنی و عمل عینی احساس همبسته بودن، نزدیک بودن و به عبارتی خودمانی بودن می‌کنند. (همان: ۱۱۱)

در سطح عملیاتی، گویه‌های همبستگی شامل ابعاد عاطفی، اطلاعاتی، مبادله‌ای بوده و در سطح خویشاوندان و هم قومی‌ها مورد سنجش قرار می‌گیرد. این متغیر شامل ۷ گویه می‌باشد که از پژوهش چلبی (۱۳۸۱) اقتباس شده است. برخی از گویه‌های استفاده شده عبارتند از: میزان تمایل به همسایه و هم محله بودن با هم قومی‌ها، میزان تمایل به معاشرت با خویشاوندان و هم قومی‌ها، میزان تمایل به هم فکری و مشورت با هم قومی‌ها و... .

۳- هنجارهای قومی

یک هنجار، در واقع یکی از معیارهای تثبیت شده آن چیزی است که گروه از نظر فکری و رفتاری از اعضایش انتظار دارد. هنجار گروهی، رفتاری است که به سبب اعتنایی که گروه و به ویژه ریش

سفیدان و بزرگان قومی، بدان دارند، درخور حرمت و رعایت است. هنجارهای قومی صورت‌های گوناگونی می‌پذیرند، که عبارتند از؛

۱- ارزش‌ها؛ سامنر آن را چنین تعریف می‌کند: «تمامی ویژگی‌هایی که از طریق آن‌ها، یک گروه هویت می‌یابد، و از دیگر گروه‌ها متمایز می‌شود» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۵۴).

عقاید و ارزش‌ها، اعتقادات گروه یا جامعه درباره رفتار، اندیشه و تفکرات است. تنوع و کثرت ارزش‌ها نمایانگر جنبه‌های اساسی تنوعات در فرهنگ جامعه است (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۵۲).

۲- آداب و رسوم، به شیوه‌های عملکرد مرسوم و خوکرده در داخل گروه یا جامعه اطلاق می‌شود.

۳- زبان، از اجزای سازنده هویت قومی است. به علاوه به عنوان عامل شفاهی، کارکرد مهمی در انتقال سنن، ارزش‌ها و فرهنگ قومی به نسل‌های آینده دارد.

۴- عقاید و باورها، احساسات ریشه‌داری هستند که اعضای گروه در آن‌ها سهیم‌اند. همین احساسات ارزشی غالباً اعمال و رفتارهای اعضا را تعیین می‌کنند (کوئن، ۱۳۸۶: ۴۱).

در تعریف عملیاتی نگرش به هنجارهای قومی، به مفهوم "سنخیت هنجاری" اشاره می‌کنیم که به معنای ادراک افراد از سازگاری بین ارزش‌ها و اعتقادات قومی‌شان با ارزش‌ها و باورهای افراد است، اطلاق می‌شود. زمانی که بین این دو تناقض و عدم سنخیت ادراک شود، احساس طرد نسبت به قومیت رخ می‌دهد. به منظور سنجش متغیر هنجارهای قومی از ۱۲ گویه که آن‌ها را از پژوهش‌های نواح (۱۳۸۸)، استخراج کرده ایم، استفاده شده است، که برخی از آن‌ها عبارتند از: من علاقه ای به دعوت از خوانندگان موسیقی محلی (عربی) در جشن‌ها ندارم. تلاش می‌کنم اطلاعاتم را درباره سنن، مناسک و آداب و رسوم قومی‌ام افزایش دهم. من به نمادهای قومم (در مورد قوم عرب "بیرق عشیره") علاقه بسیاری دارم. ...

۴- تبعیض قومی

تبعیض از لحاظ لغوی به معنای تقسیم و جداکردن بعضی از بعضی، رجحان بعضی بر بعضی بدون مرجع، اما از نظر اصطلاحی عبارت است از رفتار نابرابر مردم بر اساس عضویت گروهی (معین، ۱۳۸۱: ۴۲۲). تبعیض می‌تواند صورت رسمی (قانونی) یابد، یا آن‌که از تصورات قالبی، خرافات، نگرش‌ها و... ناشی شده و به طور غیررسمی اعمال گردد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۷۶۱). بنابراین در تعریف تبعیض می‌توان گفت: اعتقاد و باوری است که ابتدا فرد از طریق مقایسه کردن آن کسب می‌کند. شخص در این مقایسه می‌تواند به هر نتیجه ای اعم از این‌که او یا گروه عضویتی او نسبت به دیگران در وضعیتی بالاتر، پایین‌تر یا برابر قرار دارد، برسد (تیرابوسکی و ماس، ۱۹۹۸: ۴۰۴).

در سطح عملیاتی تبعیض شرایطی را در برمی‌گیرد که برخی افراد قومی تفاوت‌هایی را بین خود و دیگران احساس می‌کنند. به منظور سنجش متغیر تبعیض قومی، ۷ گویه در نظر گرفته شده است، که آن‌ها را از پژوهش‌های نواح و تقوی نسب (۱۳۸۸)، اقتباس کرده‌ایم. برخی از گویه‌های استفاده شده،

عبارتند از: در حال حاضر فضای جامعه به گونه‌ای است که، همه اقوام ایرانی مورد احترام و توجه‌اند، مردم فارسی زبان در برخورد با ما هیچ‌گونه تبعیضی قائل نمی‌شوند.

۵- احساس طرداجتماعی

مفهوم اولیه احساس طرد به پیروی از آراء ارسطو و آدام اسمیت، به فقدان و نداشتن نقش فردی (عاملیت) در انتخاب‌ها اشاره دارد و به زعم ماکس وبر، بیشتر انتخاب‌هایی را در برمی‌گیرد که از بدو تولد به فرد تعلق گرفته و انتسابی بوده و فرد در انتخاب و تغییر آن‌ها فاقد نظر و نقش است (سن، ۲۰۰۰: ۲۶). البته در صورتی که فرد نسبت به امر انتسابی نگرش مثبت و علاقه‌ای نداشته باشد، احساس طرد پیش می‌آید. بدین ترتیب در معنای گامی از افزایش فاصله عاطفی، روانی، ارزشی، فرهنگی بین فرد با افراد دیگر یا با گروه خود یا در سطوح بزرگ تر گروه‌ها در جامعه می‌باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۴۸).

بنابراین مفهوم طرد اجتماعی، در ابتدا فرآیند فقدان انسجام اجتماعی و گسیختگی در زمینه ارتباط فرد با کلیت (گروه، جامعه) را بیان می‌کرد، اما در ادامه دامنه آن به احساس محرومیت‌های چندگانه نیز کشیده شد (پیس، ۲۰۰۱: ۱۸).

در این تحقیق، در تعریف احساس طرد اجتماعی، با اقتباس از نظر ویسلز و میدما (۲۰۰۲)، سطوح آن را بدین صورت مطرح می‌شود: ۱. احساس طرد انتخابی؛ اشاره به بینش و آگاهی در فقدان نقش در انتخاب‌ها دارد، ۲. احساس طرد اولیه، افراد با یک اختلال جزئی در نظام ارزش‌های گروهی خود مواجه می‌شوند، اما همچنان قادر به مشارکت در زندگی اجتماعی، فرهنگی گروه هستند، ۳. احساس طرد متوسط؛ افراد از برخی ترتیبات مشخص بنیادین گروه (مانند تبعیض‌ها بر پایه جنسیت) احساس طرد می‌کنند، لیکن در چارچوب‌های غالب جای دارند و ۴. احساس طرد پیشرفته؛ افراد به دلیل وجود ترکیبی از ویژگی‌ها و علایق شخصی و همچنین دگرگونی‌های اجتماعی، متمایل به سبک‌های زندگی متفاوت خارج از جریان غالب گروه شده، خود را متعلق به قالب‌های اصلی و بنیادین گروهی نمی‌دانند.

در نهایت به منظور سنجش و تعریف عملیاتی متغیر وابسته احساس طرد اجتماعی، ۱۶ گویه استفاده شده است. گویه‌های این متغیر محقق ساخته بوده و ابعاد روانی، فرهنگی و اجتماعی را در برمی‌گیرند، که برخی از آن‌ها عبارتند از: وقتی فکر می‌کنم در انتخاب قومیت‌م حق انتخاب نداشتم، از آن بیگانه می‌شوم. اگر حق انتخاب داشتم، راه دیگری را انتخاب می‌کردم. اگر به جای دیگری متفاوت از زمینه قومیت‌م بروم، قومیت‌م را مخفی می‌کنم، زیرا به دلیل تفاوت‌ها احساس خوبی ندارم. گاهی که فرهنگ

مردم دیگرکشورم را با ارزش‌های فرهنگی قوم خودم مقایسه می‌کنم، تمایل به فاصله‌گیری از گروهم دارم.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

الف) یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل تحقیق

در این تحقیق، یافته‌های توصیفی با توجه به گروه‌های اجتماعی دارای هویت متمایز (گروه‌های سنی، جنسی و تحصیلی) به دست آمده و توصیف شده‌اند. آماره‌های مربوط به متغیر سن به دلیل این‌که سطح سنجش آن فاصله‌ای است بدین قرار است که میانگین نمره‌ای که پاسخ‌گویان از مجموع نمرات این متغیر کسب کرده‌اند $28/8$ ، انحراف معیار $1/18$ و واریانس $1/40$ می‌باشد. حداقل نمره برای این متغیر ۱۵ و حداکثر آن ۵۰ می‌باشد.

مطابق آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل، متغیر جامعه پذیری قومی دارای میانگین $2/58$ ، واریانس $91/2$ ، حداقل ۱۳ و حداکثر ۴۵ می‌باشد. میانگین متغیر همبستگی قومی $17/53$ ، واریانس $73/24$ ، حداقل و حداکثر به ترتیب ۹ و ۲۴ بوده است. متغیر هنجارهای قومی نیز با میانگین $28/85$ ، واریانس $48/27$ ، حداکثر ۱۶ و حداقل آن ۵۸ می‌باشد. همچنین میانگین متغیر تبعیض قومی $28/86$ ، واریانس $78/12$ ، حداقل و حداکثر آن هم به ترتیب ۱۸ و ۳۵ بوده است.

ب) یافته‌های توصیفی متغیر وابسته تحقیق

آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر احساس طرد اجتماعی، نشان می‌دهند دامنه احساس طرد در گروه نمونه بین ۱۹ تا ۸۶، به عبارتی حداقل آن ۱۹ و حداکثر آن ۸۶ می‌باشد. میانگین احساس طرد پاسخگویان $55/50$ ، انحراف معیار آن $1/09$ و واریانس احساس طرد پاسخگویان $1/20$ می‌باشد.

یافته‌های استنباطی

در این قسمت، تجزیه و تحلیل آماری فرضیه‌های تحقیق، جهت یافتن وجود یا عدم وجود رابطه میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته به عبارتی معناداری تفاوت موجود بین آن‌ها، شدت و جهت رابطه متغیرها، ارائه خواهد شد.

تحلیل دومتغیره (متغیرهای زمینه‌ای بامتغیر وابسته)

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین جنس و احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون مربوط به رابطه بین متغیر جنس و احساس طرداجتماعی

متغیر	جنس	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	آماره t	سطح معناداری
احساس طرداجتماعی	مرد	۴۱/۹۶۵۳	۱۱/۹۸۴۴۴	۳۹۸	۳/۵۰۴	۰/۰۰۱
	زن	۴۶/۲۶۱۸	۱۲/۲۷۲۹۹			

از آن‌جاکه متغیر جنس به صورت کیفی- اسمی با دو مقوله و متغیر احساس طرد اجتماعی به صورت کمی- فاصله‌ای، می‌باشد، بنابراین مناسب‌ترین آزمون برای بررسی رابطه میان این دو متغیر، آزمون Test-T با دو نمونه مستقل خواهد بود. براساس اطلاعات جدول (۴)، ملاحظه می‌کنیم که میانگین نمره احساس طرد اجتماعی در مردها برابر ۴۱/۹۶۵۳ با انحراف استاندارد ۱۱/۹۸ است، درحالی‌که این میانگین در زن‌ها برابر ۴۶/۲۶۱۸ با انحراف استاندارد ۱۲/۲۷۲۹۹ به دست آمده است که با توجه به فرض برابری واریانس‌ها طبق تست Leven، مقدار $t = ۳/۵۰۴$ و $sig = ۰/۰۰۱$ ، نتیجه می‌شود، اختلاف نمره‌های احساس طرد اجتماعی براساس جنس متفاوت و لذا معنادار است، زیرا سطح معنی داری از ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین فرض تحقیق قبول می‌شود. فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین تحصیلات و احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۵: نتایج آزمون آنالیز واریانس بین میزان تحصیلات و احساس طرداجتماعی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	مقدار F	میزان معناداری
بین گروهی	۶۲۱۱/۱۳۶	۷	۸۸۷/۳۰۵	۶/۴۰۰	۰/۰۰۰
درون گروهی	۵۴۳۴۶/۴۷۸	۳۹۲	۱۳۸/۶۳۹		
کل	۶۰۵۵۷/۶۱۴	۳۹۹	--		

برای تحلیل این فرضیه از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شده است. با توجه به مقدار $F = ۶/۴۰۰$ و $sig = ۰/۰۰۰$ در جدول (۵)، می‌توان چنین نتیجه گرفت که افراد در گروه‌های مختلف تحصیلی دارای نمره‌های متفاوتی از احساس طرد هستند. اما به منظور تشخیص جهت رابطه دو متغیر از آزمون‌های تکمیلی شفه و توکی استفاده گردید. نتیجه نشان داد که میانگین احساس طرد

افرادی که دارای تحصیلات ابتدایی هستند در مقایسه با افرادی که دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر هستند، به طور معناداری (در سطح ۰/۰۵) متفاوت است.

تحلیل دومتغیره فرضیه‌های تحقیق (متغیرهایی که در سطح فاصله‌ای هستند)

جدول شماره ۶: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون مربوط به رابطه بین تعدادی از متغیرهای مستقل

ومتغیر وابسته

فرضیه	R	سطح معناداری	نتیجه
به نظرمی‌رسد بین سن و احساس طرداجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.	-۰/۳۲۱	۰/۰۰۰	تأیید
بین جامعه پذیری قومی و احساس طرداجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.	-۰/۷۰۵	۰/۰۰۰	تأیید
بین همبستگی قومی و احساس طرداجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد	-۰/۱۹۵	۰/۰۰۰	تأیید
بین هنجارهای قومی و احساس طرداجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد	-۰/۵۵۷	۰/۰۰۰	تأیید
بین تبعیض قومی و احساس طرد اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد	۰/۳۲۵	۰/۰۰۰	تأیید

sig<0/01

اطلاعات حاصل از جدول شماره ۶ به ترتیب به صورت زیر می‌باشد:

مطابق اطلاعات جدول ۶، برای تحلیل رابطه سن و احساس طرداجتماعی به دلیل فاصله‌ای بودن آن، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل مؤید آن است که سن افراد بر احساس طرد اجتماعی تأثیرگذار است. ($\text{sig} = ۰/۰۰۰ > ۰/۰۵$)؛ با توجه به مقدار $r = -۰/۳۲۱$ می‌توان گفت، بین دومتغیر رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد. لذا باتوجه به گروه سنی در نظر گرفته شده در این تحقیق (۱۵ تا ۵۰ سال)، هرچه سن پایین‌تر باشد، احساس طرد بیشتر خواهد بود و برعکس.

در جدول شماره ۶ نتایج آزمون رابطه بین جامعه پذیری قومی و احساس طرد اجتماعی قید شده است. همان گونه که مشاهده می‌شود، متغیر جامعه پذیری قومی تأثیر معکوس (منفی) و معناداری بر احساس طرد اجتماعی افراد دارد ($\text{sig} = ۰/۰۰۰ > ۰/۰۵$). بدین معنا که هر چه جامعه پذیری قومی موفق‌تر باشد، احساس طرد کمتر خواهد بود. در حالی که با کاهش این متغیر (ناموفق بودن آن)، احساس طرد اجتماعی فرد افزایش خواهد یافت. اطلاعات جدول شماره ۶ همچنین نشان دهنده

رابطه بین همبستگی قومی با احساس طرد اجتماعی است. ملاحظه می‌شود که همبستگی قومی نیز، تأثیر معکوس و بنابراین معناداری بر احساس طرد اجتماعی فرد دارد. زیرا مقدار $r = -0/195$ و $\text{Sig} = 0/000$ به دست آمده است. لذا می‌توان گفت: با افزایش همبستگی قومی در فرد، احساس طرد کمتر خواهد بود و برعکس. به بیان دیگر با تضعیف بخش عاطفی وجدان جمعی (همبستگی قومی)، گرایش به هویت قومی نیز تضعیف و احساس طرد افزایش خواهد یافت.

علاوه بر این جدول ۶ به بررسی نتایج آزمون هنجارهای قومی و احساس طرد اجتماعی می‌پردازد. به طوری که می‌توان گفت نوع ارزیابی از هنجارهای قوم، بر احساس طرد مؤثر می‌باشد. بنابراین از آنجا که در جدول ۶ مقدار $r = -0/557$ و $\text{Sig} = 0/000$ می‌باشد، می‌توان ادعا کرد که بین دو متغیر رابطه معکوس (منفی) و معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، ارزیابی مثبت از هنجارهای قومی، احساس طرد کمتری را به دنبال خواهد داشت و متقابلاً با ارزیابی منفی از هنجارهای قومی، احساس طرد، افزایش می‌یابد.

همچنین جدول ۶ نشان دهنده رابطه بین تبعیض قومی و احساس طرد اجتماعی است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تبعیض قومی تأثیر مثبت و معنی داری بر احساس طرد اجتماعی در فرد دارد. و باتوجه به مقدار $r = 0/325$ و $\text{Sig} = 0/000$ می‌توان ابراز داشت که هر چه تبعیض قومی بیشتر باشد، احساس طرد هم بیشتر خواهد بود.

تحلیل رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

در این بخش از تحلیل به بررسی روابط چندگانه بین متغیرها پرداخته می‌شود، و هدف این قسمت یافتن میزان و سهم اثر متغیرهای مستقل در تبیین میزان احساس طرد اجتماعی می‌باشد. در جدول شماره (۷) نتایج مربوط به تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون احساس طرد با متغیرهای مستقل، اطلاعات ارائه شده نشان می‌دهد، میزان F محاسبه شده معنی‌دار است. ($p < 0/01$) همچنین براساس ضریب تعیین محاسبه شده، $0/58$ از واریانس مربوط به احساس طرد اجتماعی در مدل زیر، تبیین شده است.

جدول (۷): تجزیه واریانس رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

مدل	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	کمیت f	سطح معناداری f	رگرسیون چندگانه	R^2
رگرسیون	۸	۳۵۵۹۴/۰۶۹	۴۴۴۹/۲۵۹	۶۹/۶۸۸	۰/۰۰۰	۰/۷۶	۰/۵۸
باقیمانده	۳۹۱	۲۴۹۶۳/۵۴۵	۶۳/۸۴۵				
کل	۳۹۹	۶۰۵۵۷/۶۱۴	-				

جدول (۸): نتایج حاصله از رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

شاخص‌ها متغیرها	B	انحراف استاندارد	Beta	مقدار t	سطح معناداری
جامعه پذیری قومی	-۰/۸۶۹	۰/۱۵۱	-۰/۱۲۳	-۳/۳۱۹	۰/۰۰۲
همبستگی قومی	-۰/۱۲۲	۰/۱۰۶	-۰/۱۵۴	-۲/۱۷۱	۰/۰۰۳
تبعیض قومی	۰/۰۴۰	۰/۰۹۶	۰/۲۱۴	۲/۹۹۱	۰/۰۰۱
هنجارهای قومی	-۰/۳۸۹	۰/۰۹۵	-۰/۲۴۸	-۴/۱۱۷	۰/۰۰۰

در جدول (۸)، آماره B نشان می‌دهد که با افزایش هر واحد تغییر در متغیر مستقل، متغیر وابسته چه تغییری می‌کند. ضریب Beta نشانگر جهت رابطه بین دو متغیر است، منفی نشان دهنده جهت معکوس و مثبت، نشانگر رابطه مستقیم است و به علاوه با افزایش متغیر مستقل، متغیر وابسته نیز افزایش می‌یابد و در نهایت سطح معناداری هم تأیید یا رد فرضیه را نشان می‌دهد. برای مثال، اطلاعات جدول (۸)، نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد متغیر هنجارهای قومی، میزان احساس طرد به اندازه ۰/۲۴۸ انحراف استاندارد کاهش می‌یابد. (جهت منفی و رابطه معکوس) در اینجا ملاحظه می‌شود که متغیر هنجارهای قومی در مقایسه با سایر متغیرها سهم بیشتری در تبیین احساس طرد اجتماعی دارد.

بحث و نتیجه گیری

به عقیده شکسپیر، وقتی صحبت از گروه قومی با هویت منحصر خود می‌شود، باید به این نکته توجه کنیم که همه اقوام دارای احساسات، قوت وضعفها، آرزوها و تمایلات و انواع تعاملات هستند. آنچه که بین قومی با دیگران و اقوام دیگر فاصله می‌گذارد، عادات، عقاید و هنجارهای متفاوت است. اما این تفاوت‌ها نباید به عنوان عامل بی‌ارزشی قومی قلمداد شود. در غیر این صورت محرومیت‌ها و تبعیض‌های قومی شکل گرفته و یکپارچگی گروه-جامعه را با بحران دچار می‌سازد.

احساس طرد اجتماعی یک برآیند و نتیجه انباشت محرومیت‌های عینی و ذهنی کسانی است که احساس محرومیت داشته و به خاطر تعلق به گروه خاص، با اعضای دیگر جامعه متفاوت بوده و در فضایی آغشته به تمایز قرار دارند. چنین شرایطی باعث می‌شود آن‌ها امتیازهایی به گروه هویتی خود ندهند و در پی خلأها بسته به موقعیتی که در مورد آن طرد را احساس می‌کنند، در حد امکان به سوی جایگزین‌ها و یا این‌که تغییرات برآیند.

نتایج تجربی

هدف اصلی دربخش نتایج تجربی این است که نتایج حاصل از بررسی پژوهش با استناد به یافته‌های تجربی و توصیف و تجزیه آن‌ها از طریق استناد به تحلیل رگرسیون و آزمون پیرسون، بحث و بررسی شوند.

به طور کلی مهم ترین نتیجه تجربی به دست آمده از این تحقیق، باتوجه به نتیجه حاصل از تحلیل رگرسیون، نشانگر آن است که احساس طرد نسبت به هویت قومی در گروه مورد مطالعه در حد نسبتاً بالایی است.

در مورد متغیر هنجارهای قومی و احساس طرد اجتماعی، تأیید رابطه معکوس و معنادار میان آن‌ها، با استناد به نتایج آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون، نشان از مناسبات سنتی گروه مورد مطالعه دارد. در واقع، چنین می‌توان گفت که سنخیت هنجاری به معنای ادراک افراد از سازگاری بین ارزش‌ها و اعتقادات قومی‌شان با ارزش‌ها و باورهای خویش می‌باشد. بنابراین زمانی احساس طرد نسبت به نظام فرهنگی و هنجاری گروه قومی رخ می‌دهد، که بین این دو تناقض و عدم سنخیت ادراک شود. به بیان دیگر، احساس تنفر از هنجارهای فرهنگی گروه قومی که به نظر سیمین، احساسی است که طی آن فرد به باورها و عقاید و رسمی که در یک جامعه یا گروه دارای ارزش هستند، اعتقاد نازلی دارد.

متغیر تبعیض قومی نقش مهمی در تبیین متغیر وابسته دارد. به عبارتی طبق یافته‌های حاصل از آزمون پیرسون و تحلیل رگرسیون، تبعیض قومی در رابطه مستقیم و مثبت با احساس طرد اجتماعی قرار دارد.

چنین می‌توان اظهار داشت؛ چنانچه تبعیض (درون گروهی و برون گروهی) در سطح بالایی قرارگیرد، احساس طرد هم مجال بالاتری می‌گیرد. جامعه‌شناسان دریافته‌اند که تبعیض سبب می‌شود افراد به نوعی حالت انفصال و جدایی از گروه و موضوعات پیرامونی آن میل کرده و خود را با آنچه که پیوند داشته است، منفک ببینند. در نهایت درمقابل این وضع به حالت‌هایی چون احساس تنفر، بیگانگی و احساس طرد برسند.

همچنین باتوجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون، میان همبستگی قومی و احساس طرد اجتماعی نیز رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

حاجیانی اذعان دارد که در شرایط همبسته بودن با گروه، احساس خودمانی بودن در بین کنشگران و اعضای گروه قومی حاکم خواهد شد. اما به هر میزانی که فردگرایی افراد و احساس همبسته بودن با گروه قومی نزد آنان کاهش یابد، اعتنای به گروه هم رو به کاهش نهاده و منجر به

احساس طرد می‌شود. احساس طرد اجتماعی به واسطه گسترده‌تر شدن دایره روابط و همبستگی‌های افراد به گروه‌های گوناگون، وجود نشانه‌هایی از تفاوت‌های اجتماعی-فرهنگی بروز می‌یابد. در رابطه با تأثیرمتغیر جامعه پذیری قومی، طبق نتایج حاصل از آزمون پیرسون و تحلیل رگرسیون، باید گفت که این متغیر به صورت معکوس با متغیر وابسته پژوهش، یعنی احساس طرد اجتماعی، رابطه داشته است.

طبق نتایج، این میزان به دلیل نقش و تأثیر عوامل گوناگون (خانواده، رسانه‌ها) در جامعه پذیرکردن افراد نسبت به هویت قومی، ارائه ارزش‌های متفاوت و گاهاً متضاد به افراد است. در نتیجه هرچه الگوهای جامعه پذیری متفاوت تر عمل کنند، باعث ایجاد و تلقین شناخت قومی ناموفق‌تر و ایجاد احساس طرد در فرد نسبت به ارزش‌های درونی اولیه می‌شود. جامعه پذیرکردن افراد نسبت به هویت قومی‌شان به خصوص در مورد نسل جوان، که عاملان اجتماعی کردن در آینده هستند، حائز اهمیت بسیار است. جوانان امروزه باید هویت قومی و ارزش‌ها و نمادها و عقاید و رسوم آن را به خوبی ادراک کرده و باور داشته باشند تا سرمایه فرهنگی قوم خویش را به نسل‌های آینده انتقال دهند.

نتایج تبیینی

هدف اصلی در بخش نتایج تبیینی این است که نتایج حاصل از تحقیق حاضر با مبانی

نظری که پشتوانه فرضیه‌ها و متغیرهای استخراج شده آن بوده‌اند، بحث و بررسی شوند.

درمورد نقش عوامل فرهنگی، یعنی متغیر نگرش به هنجارهای قومی و احساس طرد اجتماعی، تأیید رابطه معکوس و معنادار میان آن‌ها، نشان از مناسبات سنتی گروه مورد مطالعه دارد. رابطه معنادار دو متغیر با استناد به رویکرد فرهنگی و آراء نظریه پرداز طرد اجتماعی (بورديو) بدین صورت تبیین می‌شود: احساس طرد به دنبال تضعیف ارزش و اهمیت هنجارهای گروه و در نتیجه گسستگی پایبندی به آن‌ها حاصل می‌شود. لذا، حاصل فاصله و گسست میان هنجارهای گروه قومی با ارزش‌ها و بینش فردی است.

متغیر تبعیض که از نظریه محرومیت نسبی و آراء تدرابرت گر و همچنین نظریه تخصصی شدن هیلاری سیلور استخراج شده است، نشان از رابطه مستقیم و معنادار این متغیر و احساس طرد اجتماعی می‌دهد.

رابرت گر یک طبقه بندی چند وجهی را که شامل ارزش‌های منابعی و رفاهی، شهروندی و قدرت، ارزش‌های بین شخصی و اجتماعی است، مطرح می‌کند که تحت عنوان اقتصاد، سیاست، فرهنگ و جامعه بیان می‌شوند. وی معتقد است که محرومیت در هر یک از این ابعاد، گرایش به هویت قومی را تحریک و به دنبال تبعیض، احساس طرد شدت می‌یابد. طبق دیدگاه سیلور نیز طرد اجتماعی زمانی

پدید می‌آید که افراد تمایز ناکافی و نابسند قلمروهای گروهی - اجتماعی را ادراک کنند. یعنی احساس طرد ناشی از «عملکرد تبعیض» است.

درفرضیه همبستگی قومی و احساس طرد اجتماعی، وجود رابطه معکوس و معنادار بین این متغیرها، با استناد به آراء دورکیم و دیدگاه شبکه اجتماعی تأیید شده است.

در آراء دورکیم بیان شده که بحران جامعه جدید از هم پاشیدگی پیوندهایی (اصطلاح دورکیم؛ فقدان یا ضعف آگاهی و وفاق جمعی) است که فرد را به گروه همبسته می‌نمود. در شرایط گذار جوامع علائم بیمارگون، احساس طرد، انزوا و . . . نشان می‌دهند. مطابق نظریات جامعه شناختی، همبستگی براساس تمایل فرد به تعامل و تماس با هم قومی‌ها، احساس نزدیکی و اعتماد به آن‌ها و مشارکت در سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی درون گروهی، نقش تعیین کننده در باور به هویت قومی دارد. طبق فرض دیدگاه شبکه اجتماعی، کاهش تمایل به تعامل گروهی، تحت عنوان بیگانگی گروهی، در نهایت احساس طرد نسبت به تعلق به گروه قومی را به دنبال خواهد داشت.

متغیر جامعه پذیری قومی که از مکاتب کارکردگرایی و کنش متقابل نمادین، استخراج شده است، در این پژوهش تحت رابطه معکوس و معناداری با احساس طرد اجتماعی، تأیید شده است.

در این مورد تأکید بر نقش خانواده و رسانه‌ها در جامعه پذیرکردن افراد و انتقال سرمایه‌های فرهنگی به افراد، هماهنگی و موفقیت عوامل در ارائه الگوهای اجتماعی کردن و تأثیر بر شناخت و آگاهی قومی بود.

رهیافت تعامل گرایی بر تعاملات و نقش فعال فرد در فراگیری فرهنگ قومی و ارزیابی و تغییر آن تأکید دارد. طبق شواهد گستردگی رسانه‌ها و استفاده همگان از آن‌ها سبب شده که فرهنگ و رسوم گوناگون از هر جای جهان شیوع یافته و در افراد تأثیرگذار باشد. انسان‌های امروزه در معرض نهادهای رسانه ای زندگی می‌کنند، می‌اندیشند، دنیا را در این رهگذر می‌شناسند، رفتار خود را براساس الگوهای برگرفته شده از ماهواره، اینترنت، فیلم. . . (رسانه‌های رایج عصر ما)، سامان می‌دهند. بی سازمانی و ناهماهنگی در آموزه‌های جامعه‌پذیری عاملان (خانواده، رسانه‌ها) زمینه‌های نگرشی و رفتاری افراد و گروه‌ها را دچار ابعاد مسئله‌ساز می‌نماید.

پیشنهادات

۱- خشکاندن فضای ذهنی و عینی محرومیت و تبعیض؛ (چه برون گروهی که به ویژه از پیشداوری‌ها و تصورات قالبی منشأ می‌گیرد و چه درون گروهی که عمدتاً بر پایه جنسیت نمود می‌یابد).

- ۲- باورها و رفتارهای فرهنگی قومیت که از طریق نظام جامعه‌پذیری حفظ و منتقل می‌گردند، از زمینه‌های متفاوتی (تحت تأثیر شرایط جهانی، ملی. . .) تأثیر می‌پذیرند. ارزش‌ها و رفتارهای متعارض ناشی از این کانون‌های متعدد، می‌تواند به بحران هویتی و رفتاری بیانجامد. لذا توجه به زمینه‌های اثرگذار بر نظام جامعه‌پذیری قومی، اعم از زمینه‌های داخلی و خارجی؛ به دلیل اهمیت آن در نظام اجتماعی و فرهنگی هویت قومی، ضرورت دارد.
- ۳- جامعه‌پذیری کارآمد و هدایت‌ناهنادهایی چون خانواده برای آموزش نسل جدید و رفع شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی و هماهنگی بین آموزه‌های جامعه‌پذیری، عوامل اجتماعی کردن (خانواده، رسانه‌ها).
- ۴- احترام به خرده فرهنگ‌ها بویژه در سطح رسانه‌های استانی، ملی باید در اولویت برنامه ریزی‌های فرهنگی قرارگیرد، به نحوی که قومیت‌ها، احساس کنند که به فرهنگ بومی و قومی آنها بها داده شده و مورد احترام است.
- ۵- ارائه طرح مفهوم ما- شهروندی- ملیت به جای شما- دیگری- قومیت.
- ۶- جلوگیری از ایجاد خطوط جداسازی قومی و رواج اصل برابری همگان، جهت خشکاندن احساس طرد و تلقی و تصور منفی از هویت قومی، به خصوص در مورد جوانان.
- ۷- افزایش ارتباطات درون قومی و برون قومی؛ روابط و مشارکت اجتماعی افراد با هم قومی‌ها و همچنین سایر اقوام، به عبارتی ایجاد آیین‌های پیوندگر؛ به منظور افزایش حس همبستگی درون قوم و میان اقوام.
- ۸- در جامعه امروز، شیوه‌های سنتی به ویژه در مورد جوانان، جواب نمی‌دهد، لذا انعطاف در مورد هنجارها، عقاید و نگرش‌های مخصوصاً تعصب آمیز قومی، به مثابه یک ضرورت پیشنهاد می‌شود.

منابع

- لطائی، علی (۱۳۸۲)، *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: نشر شادگان.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- آرون، ریمون (۱۳۸۱)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی*؛ ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بلالی، اسماعیل (۱۳۸۹)، *طرد اجتماعی اقوام در آینه آمار*، بررسی اقوام کرد و ترک، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره چهارم، شماره ۲، صص.
- بوتول، گاستون (۱۳۸۸)، *جامعه شناسی صلح*، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

- بون ویتز، پاتریس (۱۳۹۰)، *درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی یربوردیو؛ ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر*، تهران: نشر آگه.
- جلانی پور، حمیدرضا و محمدی، جمال (۱۳۹۲)، *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*، تهران: نشرنی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰)، «مسأله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، شماره ۳، صص ۱۳۹-۱۲۵.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، صص ۱۶۴-۱۴۳.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک
- ریتزر، جورج (۱۳۸۸)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر؛ ترجمه محسن ثلاثی*، تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۹)، *همسازی و تعارض در هویت و قومیت*، تهران: نشر گل آذین.
- فلاحی سرابی، لیلا (۱۳۹۱)، انزوای اجتماعی: علل و پیامدهای آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز: دانشگاه شهیدچمران.
- فنتون، استیو (۱۳۸۴)، *قومیت، نژادگرایی، طبقه و فرهنگ؛ ترجمه داوود غرایان زندی*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- فیروزآبادی، سیداحمد و علیرضا، صادقی (۱۳۹۲)، *طرد اجتماعی (رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت)*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۱)، درآمدی بر پیدایش مسائل قومی در جهان سوم، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پنجم، شماره اول.
- قنبری برزبان، علی (۱۳۸۳)، «رویکردها، چالش‌ها و مؤلفه‌های هویت»، در کتاب *هویت و بحران هویت در ایران*، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)*، ترجمه ناصر چاووشیان، تهران: انتشارات طرح نو.
- کرایب، یان (۱۳۸۲)، *نظریه اجتماعی کلاسیک؛ ترجمه شهناز مسمی پرست*، تهران: انتشارات آگه.
- کندال، دیانا (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی معاصر؛ ترجمه فریده همتی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- کوئن، بروس (۱۳۸۶)، *درآمدی به جامعه‌شناسی؛ ترجمه محسن ثلاثی*، تهران: انتشارات توتیا.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹)، *مفاهیم کلیدی بوردیو؛ ترجمه محمد مهدی لیبی*، تهران: نشر افکار.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵)، *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۶۳)، *دورکیم؛ ترجمه یوسف اباذری*، انتشارات خوارزمی.
- مارتین، زبیرا (۱۳۸۵)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی طردشدگان اجتماعی؛ ترجمه سیدحسن حسینی*، تهران: انتشارات آن.
- مالشویچ، سینیشا (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی قومیت؛ ترجمه پرویز دلیرپور*، تهران: انتشارات آمه.
- معین، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ دوجلدی، تهران: انتشارات آدنا.
- نواح، عبدالرضا؛ تقوی نسب، مجتبی (۱۳۸۶)، *بررسی عوامل مؤثر بر تشدید هویت قومی به عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در چالش‌های استان خوزستان*، مورد مطالعه: عرب‌های شهرنشین استان خوزستان، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- نواح، عبدالرضا؛ تقوی نسب، مجتبی (۱۳۸۶)، *تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و ملی، مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، شماره ۲، صص ۱۶۳-۱۴۲.
- نواح، عبدالرضا؛ تقوی نسب، مجتبی (۱۳۸۸)، *آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران*، مؤسسه انتشاراتی کمیل.
- Fenton,S (1980). 'Race, class and politics in the work of Emile Durkheim', in sociological theories; Race and colonialism,Paris; unesco.
- Gurr, Ted Robert (1967). Psychological factors in civil violence, london; world politic.
- Godfrey, S. B, Taket. A (2009). Otherning. Marginalisation and Pathways to Exclusion in Healt, In; Theorising Social Exclusion, Taket, A, Crisp, B. R, Nevill,A, Lamaro, G, Graham,M and Barter- Godfrey,S, Routledge.
- Heady,C(1997). Labour Market Transitions and Social Exclusion, Journal of European Social policy, Vol. 7, No 119-128.
- Hortulanus, Relof and machielse, Anja and Ludwien meeuwesen (2007). social Isolation in modern society, Routledge; london and NewYork.
- Lohm, D (2006). What is an Australian?(Perception of Australianess among Young Adults Raised in an Outer Eastern Suburb of Melmourne), Monash University.
- Peace, Robin (2001). 'Social Exclusion; A concept in Need of Definitio', Knowledge management Group, Ministry of social policy, social policy Journal of New Zealand Issue, 16; 17-36.

- Silver, Hilare (1994). 'Social Exclusion and Social solidarity; Three paradigm'. In; International Labour Review, 133(5-6);518-531.
- Silver,H. (2006)" The Process of Social Exclusion: The Dynamics of an Evolving Concept", University of Manchester Chronic poverty Research Center. pp531-578
- Sen, A (2002). Social Exclusion; concept, Application and scrutiny, Social Development papers. Marilla of Environment and Social Development , Asian.
- Turner, C (1998). 'Social Identity, Organization and Leadersheep'. in; E. Turner, Group at work, london; Lawernce, Erlbaum.
- Taket, A, Crisp,B. R, Nevill,A,G,Graham,M and Godfrey, S(2009). Theorising Social Exclusion, Rutledge.
- Tiraboschi, Mauro; Mass, Anne (1998). 'Reactions to perceived deprivation in ingroup and out group across-cultural comparison', European journal of social psychology, Vol. 28. Pp 403-421.
- Umana- Taylor, A. J (2008), "A Longitudinal Examination Of Lation Adolescents Ethnic Identity, Coping With Discrimination, and Self-Esteem", Journal of Adolescence, 28(1): 16-50.